



راههای علمی و عملی مبارزه با سلفی گرایی تکفیری / چه نوع از سلفی گرایی به کشت و کشتار مردم می رسد

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی گفت: راه علمی مبارزه با تکفیریه‌ها بحثهای اجتهادی است، باید این بحث‌ها ابعاد اجتماعی پیدا کند و یکی از ابعاد اجتماعی‌اش هم این است که علمای فریقین چه شیعه چه سنی، خالی از هرگونه حب و بغض و به صورت علمی بیایند و سلفی گرایی تکفیری را به نقد جدی بکشانند و سند های علمی خیلی واضح و فراگیری را علیه اینها در جامعه اسلامی منتشر کند.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی گفت: راه علمی مبارزه با تکفیریه‌ها بحثهای اجتهادی است، باید این بحث‌ها ابعاد اجتماعی پیدا کند و یکی از ابعاد اجتماعی‌اش هم این است که علمای فریقین چه شیعه چه سنی، خالی از هرگونه حب و بغض و به صورت علمی بیایند و سلفی گرایی تکفیری را به نقد جدی بکشانند و سند های علمی خیلی واضح و فراگیری را علیه اینها در جامعه اسلامی منتشر کند.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد سلفی گری در جهان اسلام گفت: اصولا سلفی گرایی یک امر حادثی نیست بلکه از همان صدر اسلام به عنوان نوعی از منطق مواجهه با مسائل جدید شکل گرفت. نقطه مرکزی سلفی گرایی این است که لازم است در مواجهه با مسائل جدید چه سیاسی و چه اجتماعی چه حتی مسائل فردی جدید یا نیمه اجتماعی لازم است که اصول را بر پایه های دینی بگذاریم و وضعیت های دینی شناخته شده با همان هویت و واقعیت خود به وضعیت های جدید تزریق کنیم.

وی ادامه داد: سلفی گرایی یک نوع تفکر ویژه است که در همان صدر اسلام هم وجود داشته است، البته سلفی گری ارتباطی با اجتهاد رایج غیر سلفی دارد؛ که مجتهدان فقه شیعه و سنی واجد آن هستند و آن این است که اسلام در گذشته وضع حال را بنا می کند و اساس را گذشته قرار می دهد منتها این گذشته به مثابه مبانی و ادله و قواعدی برکار اجتهاد سیطره دارند و اجتهاد می کوشد از درون آنها جواب وضعیت معاصر را پیدا کند.

وی ادامه داد: منتها این جواب ممکن است گاهی از نظر ظاهری متفاوت با قالب ها و شعائر گذشته باشد و آن شریعت بر اساس نگاه اجتهادی شریعت کاملی است. چرا نوعی هم سنجی بین احکام شرایع مربوط به شعائر گذشته و معاصر وجود دارد. اینکه دقیقا شما بیاپید سعی کنید وضعیت های قالبی و پوسته های ظاهری و اشکال ظاهری گذشته را اصل قرار دهید و آن را به جامعه جدید، یا به مسائل نو تزریق کنید یک مقوله است و اینکه بر اساس روح گذشته وضعیت های جدید را درمان یا معالجه کنید مقوله دیگر است.

وی گفت: به هر حال اجتهاد با سلفی گری به نوعی ارتباط دارد. منتها اجتهاد الزاما رویکرد سلفی گرایی ندارد؛ بلکه دو رویکرد اجتهادی داریم یک رویکرد سلفی گرایانه و یکی اجتهاد غیر سلفی گرایانه. اجتهاد اگر به درستی منقح نشود همیشه در معرض فرو غلتیدن یک نوع سلفی گرایی هم است. سلفی گری هم چیزی نیست که فقط مخصوص اهل سنت باشد در خود شیعه هم رویکردهای سلفی گری همواره وجود داشته است. مثلا اخباریان، نوع درجه یک سلفی گرایی بودند غیر از اخباری ها در اصولی ها هم همیشه یک میزانی از سلفی گری وجود داشته است. سلفی گری این است که یا بر آدمهای گذشته تکیه کنند و فکر و رأی ایشان را حاکم کنند و یا بشدت بر ظواهر گذشته به عنوان اصل تکیه کنند و از درون ها و محتواها و مناط ها غفلت بورزد.

وی با اشاره به اینکه سلفی گری اصولا یک وضعیتی است که به صورت کم و زیاد همیشه وجود داشته است، گفت: در میان اهل سنت سلفی گری یک وضع دامنه داری پیدا کرده است. اولاً همه اهل سنت سلفی نیستند عده ای از علمای اهل سنت مجتهدانی هستند که طرز فکر سلفی ندارند ولی بسیاری از افراد یا گروه ها در اهل سنت سلفی هستند. سلفی گرایی اهل سنت هم در یک سطح نیست سطوح مختلفی دارد محدود نیست بلکه اگر قرار را بر سنجش سلفی گرایان اهل سنت در نظر بگیریم طیف های مختلفی را شامل می شود. سلفی گرایان مدرن داریم که اصلاً نوع نگاهشان به مسائل زمان با نوعی تفکر جدید و معاصر امروزی همراه است و نوعی روشنفکری سلفی گری را باز تولید می کنند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی خاطرنشان کرد: سلفی گرایانی داریم که به دلیل عدم قدرت تحلیل و یا تعطیلی فهم و تحلیل و به حداقل رساندن ابزار عقل در فهم نسوخ یک دایره ای از جمود و خشک مغزی را در پیش گرفته اند که نوعا اینها نهایت کارشان تکفیر خواهد شد و در پی تکفیر هم که فرو می غلتند نمی توانند تکفیر را باز در یک سطحی حفظ و مدیریت کنند. وضعیت های تکفیری آنها با نگاه جامع گرایانه شان آنها را حتی به کشت و کشتار می کشاند. بنابراین سلفی گری اصولا اسمش مشترک است. در حالی که سلفی گرایان طیف های مختلفی را در بر می گیرند.

وی ادامه داد: دو نوع سلفی گری داریم. یکی سلفی گری تابلو یافته اسم و رسم دار شناخته شده و یک نوع سلفی گری پنهان. اگر بخواهیم سلفی گری را به سلفی گری پنهان تعمیم دهیم دامنه های زیاد و طیف ها و آدمهای خیلی بیشتری را در بر می گیرد. یعنی همیشه اجتهاد بسیاری از مجتهدان چه شیعه و چه اهل سنت نوعی از سلفی گری را همراه دارند. اینها را سلفی گری های پنهان می گویم.

وی اظهار داشت: بنابراین نباید یک وقت اسم سلفی گری می آید خیال کنیم چیزی است که باید در مقابلش ایستاد. بلکه یک امری رایج و شایع است و همه جا وجود دارد. اگر مجتهدان صاحب منصب قوی حالا چه در شیعه چه در اهل سنت باشند که

اینها گرایشی به سلفی گری نداشته باشند؛ ولی یک امری است که به شکل ذومراتبی و امر تشکیکی به تعبیر فنی همه جا وجود دارد. ما فقط باید سلفی گرایی که بشدت فهم را تعطیل کرده اند و فهم را به سنگلاخ های عجیب و غریب متوجه می کنند و از زمختی ها و سنگلاخ های فکری، در نوع اجتهادشان مواجهه می کنند، فهم را جوری تفسیر می کنند که همیشه بدترین فهم ها را از بهترین متن ها حتی قرآن به عمل می آورند و خروجی های آنها نقطه های خطرناکی برای جامعه هستند مقابله کنیم.

مبلغی گفت: نکته دیگر اینکه اصولا سلفی گرایان خشک مغز که از نظر مقدار هم کم هستند به دلیل اینکه هیاهوهایی زیادی دارند و حجم عملیات خشن بالایی دارند؛ همیشه بیش از واقعیت شان دیده می شوند و فضا را پر می کنند آدم خیال می کند اینها خیلی زیاد هستند. همانطور که گفتم عده معدودی هستند کارشان خیلی خطرناک است. ذهن و جامعه را به خود مشغول می کند بازتاب کارهاشان خیلی خطرناک است. اخیرا در مصر گروه های سلفی بیشتری به رسمیت شناخته شده اند که بسیاری از آنها قابل فهم و گفتگو هستند و باید با آنها وارد گفتگو شد.

وی ادامه داد: نکته دیگر این است که در رابطه با سلفی گری نیاز به یک فلسفه اجتهاد سلفی گری داریم. معیارهای انواع سلفی گری و تمایز های سلفی گری از یکدیگر و سلفی گری شیعه و اهل سنت اینها به درستی شناخته نشده اند. به عنوان مثال شریعتی در فضای شیعی یک نوع تفکر سلفی گری داشت. سلفی گری که گفته می شود بعضی ها فکر می کنند مقوله ای است که ضد شیعه است اینطور نیست. سلفی گری در همه جا موجودند حتی در میان روشنفکران. اینها باید شناخته شوند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی تصریح کرد: اگر اجتهاد بدرستی شناخته شود اجتهاد همیشه نوعی ابتناء بر گذشته را دارد وگرنه این اجتهاد، اجتهاد نیست. البته ابتناء بر گذشته یا یک نوع تقید به گذشته به معنای این نیست که سلفی گرا شویم. سلفی گری یک نوع جمودگرایی و قشری گرایی است.

وی در مورد تبعات نوسلفی گری بر وحدت و اتحاد مسلمانان، گفت: نو سلفی گرایی همیشه بد نیست اگر به معنای تجدیدنظر نسبت به اصولی باشد که داریم خوب است. سلفی گراهای تکفیری و خشن و تند رو بد هستند. نو سلفی گراها می توانند نقش مثبتی در گفتگوهای وحدت اسلامی و مشارکت فعال در همزیستی اسلامی ایجاد کنند. بنابراین ما باید به سلفی گرایان خوش آمد بگوییم و اینها را در مدار گفتگو قرار دهیم. مقصودم از گفتگو با آنها گفتگوهای علمی بینامذهبی نیست. بلکه گفتگوهای در جهت همزیستی و وحدت اسلامی است. یعنی نو سلفی گرایان فرصت مغتنمی برای به انزوا کشاندن سلفی های خشن هستند. حجت الاسلام والمسلمین مبلغی در مورد اینکه چگونه می توان با افکار تکفیری و نو سلفی گرایان تندر و مبارزه فکری کرد هم تصریح کرد: با نو سلفی گرایی نباید مبارزه کرد زیرا پدیده بدی نیستند. با کسانی که تجدیدنظر نسبت به اصول خود می کنند مبارزه نداریم. اینها بخشی از امت و جهان اسلام هستند. اما نو سلفی گرایی تکفیری با اینها باید مبارزه کرد. با تکفیر باید از لحاظ علمی و فکری مبارزه کرد. با به درون متن های اسلامی ورود دادن همین نوسلفی گرایان روشنفکر، اینها را باید در بحث های اسلامی دخالت داد. خود اینها می توانند سلفی گراهای حاد و افراطی و تکفیری را دچار چالشهای جدی بر سطح مبانی سلفی گرایی بکنند. دقیقا همان متنی که صاحب حدائق ایفا کرد که نو اخباری بود توانست اخباریون را منزوی کند؛ سلفی گرایان جدید هم می توانند چنین نقشی در قبال سلفی گرایان تکفیری داشته باشند.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس تصریح کرد: راه دیگرش بحث های اجتهادی علمی تر است. باید این بحث ها ابعاد اجتماعی پیدا کند. یکی از ابعاد اجتماعی اش هم این است که علمای فریقین چه شیعه چه سنی، خالی از هرگونه حب و بغض و به صورت علمی؛ بیایند و آن سلفی گرایی تکفیری را به نقد جدی بکشاند و سندهای علمی خیلی واضح و فراگیری را علیه اینها در جامعه اسلامی منتشر کند. اینها از لحاظ علمی است. از لحاظ عملی هم راه کارهای مختلفی وجود دارد. برای مثال فتوای علمای شیعه و سنی با هم علیه تکفیری ها و منزوی کردن و معدوم کردن تکفیری ها. البته یکسری از ابتکارات را باید دولت ها انجام دهند. همه مبارزه با تکفیری ها بر عهده علمای مسلمان نیست. دولت ها باید در منزوی کردن تکفیری ها ابتکاراتی به خرج دهند. بنابراین دولت های اسلامی باید رابطه شان را با هم بهتر کنند و بعد به یک حداقلی برسند و بر اساس آن حداقل تکفیر را به عنوان یکی از خطوط قرمز خود معرفی کنند.